



## شب تاریک ناسیونالیسم کرد و افق روشن کردستان

محمد فتاحی

نزول موقعیت امریکا در جهان بعد از شکست آن در افغانستان، منشا تغییرات سیاسی عظیمی در جهان است، که جزئی ترین و حاشیه ای ترین آن، سرگردانی نیروهای سیاسی متکی به غرب و امریکاست.

صفحه ۴



## کنگره سراسری شوراهای مردمی، یک ضرورت در کردستان

وریا نقشبندی

حزب حکمتیست (خط رسمی) اخیرا آلترناتیو خود پس از جمهوری اسلامی تحت نام "کنگره سراسری شوراهای مردمی" را اعلام کرده است. در این آلترناتیو به روشنی موقعیت امروز جمهوری اسلامی، جایگاه جدال، اعتراضات و اعتصابات مردمی و کارگری برای خلاصی از این حکومت و همچنین پا گرفتن شوراهای کارگری بر اساس خرد جمعی در مراکز اصلی و کلیدی کارگری، پرداخته شده و ضرورت قدرتگیری "کنگره سراسری شوراهای مردمی" به عنوان تنها آلترناتیو توده ای و متکی به پیشرفتها، دستاوردها و سنت موجود در جامعه، که ضامن دخالت همگانی و دموکراتیک مردمی میباشد، عنوان شده است.

این نوشته به ضرورت بیش از پیش این آلترناتیو در کردستان تمرکز دارد و تلاش میشود که چرایی اهمیت آن را در این نوشته پوشش دهد. بی گمان پرداختن تفصیلی به چنین موضوع حساس و پر اهمیتی در یک نوشته که سیمای یک جامعه زنده و دخالت گر برای تشکیل ساختاری دموکراتیک که نه از مجرای سیستم فرسوده و به گل نشسته پارلمانی و نه از دست به دست شدن قدرت از بالا و بدون دخالت واقعی مردم مهیا میشود، کاری دشوار و در یک نوشته غیر ممکن است، اما پرداختن به آن و دست گذاشتن بر این مهم، وظیفه ای است که جامعه تشنه آزادی، برابری، رفاه و امنیت آن را از ما کمونیستها طلب میکند.

ضمانت اجرایی پیشبرد امر مبارزاتی در قالب شوراهای مردمی در کردستان

در خیلی نوشته و اسناد تاریخی بارها به نقش مردم کردستان، الخصوص سنندج، در تشکیل شوراهای شهر و محلات و "بنکه های" محلات اشاره شده است. بنکه و شوراهای که در آنها مردم خود تعیین میکردند که اداره جامعه چگونه باید پیش برود. یک تجربه کوتاه، که با سرکوب جمهوری اسلامی مواجه شد اما کوله باری ارزنده و تاریخی را برای نسل امروز و فردا به ارث گذاشته است. البته

## اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری کردستان (کردی و فارسی) و دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی) در رابطه با "توطئه جمهوری اسلامی ایران علیه اپوزیسیون مستقر در اقلیم کردستان"

صفحه ۴



## افغانستان تجربه ای تلخ، اما آموزنده برای مردم کردستان

آسو سهامی

قبل از هر چیز، باید بر این تفکر که در کمال خوشباوری حکومت قبلی افغانستان را ارتجاعی نمی داند خط بطلان کشید. در حقیقت با یک پروسه برنامه ریزی شده و دخالتگری دول سرمایه داری همانند (آمریکا، چین، روسیه، آلمان و ترکیه و ...) با تغییر حاکمیت از بالا و بدون دخالت مردم، گروه طالبان از یک دولت در سایه در حکومت ارتجاعی (جمهوری اسلامی افغانستان) به دولتی آشکار به اسم (امارت اسلامی) بدل شد تا با دستی بازتر جان و سرنوشت انسانها را در این کشور به گرو بگیرد.

صفحه ۶

## مطالب دیگر این شماره ...

\* تنش قومی نقده؛ "شورای همکاری چپ" کجا ایستاد؟ محمد فتاحی (ص ۸)

\* بازی کومه له و طمع چپ "حول چانه زنی تشکیلاتی کمیته اجرایی حکا". آسو سهامی (ص ۹)

\* به مردم شهر نقده! محمد فتاحی (ص ۱۰)

آزادی، برابری، حکومت کارگری

جمهوری اسلامی نیز همان جمهوری اسلامی چند دهه گذشته نیست. این حکومت در آخرین رمق های حیاتش است. تعرضات مردمی، کارگری، زنان و دیگر اقشار محروم جامعه به تمام ساختارهای رژیم در چند سال گذشته، ناتوانی در حتی برآورده کردن کوچکترین و پایه ای ترین حقوق در این جامعه، همه و همه نشان از رفتنی بودن جمهوری اسلامی دارد. در طول تمام این سالهای عمر ننگین حاکمیت، کردستان اگر در دوره هایی با قدرت قهریه به سکوت یا انفعال کشیده شده است اما هر جا مجال یافته علیه کل بساط جمهوری اسلامی لحظه ای تردید نداشته است. از اینرو در اوضاع امروز که سراسر ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده، در شرایطی که در هر نقطه از ایران شاهد اعتراضات وسیع از سوی اقشار مختلف یا اعتصابات کارگری هستیم، مردم کردستان امروز بهترین امکانات و بیشترین تجربه را برای سازماندهی خود در شوراهای مردمی را دارند. زمان آن فرا رسیده که این کوله بار را خاک تکانی کنند و متریقی تر و رادیکال تر از گذشته اقدام به تاسیس شوراهای مردمی خود کنند.

فرصتی تاریخی برای طبقه کارگر و مردم کردستان مهیا شده است که در سرنوشتی سپردن جمهوری اسلامی به زباله دان تاریخ با اتکا به قدرت متحد و متشکل خود در شوراهای مردمی نقش خود را ایفا کنند. تجربه شوراهای اداره امور شهرها، در سازمان دادن مقاومت علیه توطئه ها و تعرش نظامی جمهوری اسلامی به کردستان و ... دستمایه و سرمایه عظیم جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران است و باید یکبار دیگر آنرا به کار گرفت. با تامین شوراهای مردمی در شهرها، محلات، مراکز کارگری و آموزشی، اولاً توطئه و سرکوب توسط جمهوری اسلامی خنثی خواهد شد و ثانیاً مردم آماده به دست گرفتن قدرت در هر تلاطم انقلابی و خلاء قدرت مرکزی در کردستان خواهند بود. برای دستگاههای امنیتی و نظامی رژیم، تهدید کردن و به سکوت وادار کردن فعالین در قالب فردی، همیشه حربه تا اندازه ای کارساز بوده، اما مواجه شدن با صف توده ای که در لحظه توان و قدرت تامین نمایندگان و رهبران خود را دارد، از هیچ قدرتی بر نمی آید. تنها شوراهای مردمی در کردستان است که میتواند تامین کننده اقتدار جمعی برای پیش بردن مبارزات خود با کمترین تلفات باشد. در ثانی، در شرایطی که جمهوری اسلامی نه توان و نه اشتیاقی به جواب رسی به خواسته ها و مطالبات مردم دارد، کنترل زندگی و تامین برحق ترین خواسته ها و حقوق فردی و جمعی انسانها به دست خود مردم با اتکا به این شوراهای مردمی خواهد افتاد. از این منظر تداوم در تعرض کردن به کلیت رژیم، تامین امنیت و به دست گرفتن سرنوشت زندگی خود، ضرورت ایجاد شوراهای مردمی در کردستان را تبدیل به یک امر حیاتی میکند.

شوراهای مردمی همچنین، سیر و تداوم در تامین نیروی انقلابی بالفعل و همه جانبه را فقط در به زیر کشاندن جمهوری اسلامی محدود

نخواهد گذاشت بلکه مسئله کلیدی تر یعنی دادن قدرت به دست آحاد مختلف جامعه و در بعد سراسری در قالب "کنگره سراسری شوراهای مردمی" را تضمین خواهد کرد. قطعاً بقایای نظام جمهوری اسلامی مترصد هر فرصتی خواهند بود که این خروش انقلابی را به شکست بکشاند یا از مسیر واقعی خود منحرف کنند. در این شرایط است که در هم کوبیدن پس مانده های این نظام و نیروهای ارتجاعی دیگر پیشبرد امر انقلاب برای تعیین نظام آتی در ایران فقط از طریق مجامع عمومی و تصمیم گیری جمعی میسر خواهد شد.

کردستان اگر میخواید نتیجه تلاش و مبارزه در چند دهه گذشته علیه جمهوری اسلامی را به واقعیت تبدیل کند، ضرورت دارد بدون وقفه شورای مردمی خود را تاسیس و اجازه ندهد تجربه به خون کشیدن انقلاب ۵۷ با سرکوب کردستان دوباره تکرار گردد. این نظام رفتی است، همه و خود سران ریز و درشت قبل و کنونی حاکمیت بارها به آن اذعان کرده اند، نیروهای ارتجاعی درون و بیرون حکومتی برای سناریوهای ارتجاعی و دست بدست کردن قدرت بدون دخالت مردم خود را آماده کرده اند. طبقه کارگر و مردم آزادیخواه هم باید برای تضمین دخالت خود در این سرنوشتی و گرفتن قدرت از جمهوری اسلامی با اتکا به شوراهای آماده کنند و حاکمیت سراسری شوراهای مردمی را ممکن کنند.

قبل از پرداختن به مسئله آلترناتیو شوراهای مردمی در کردستان، لازم است مختصاتی از برنامه و آلترناتیو احزاب ناسیونالیست کرد یعنی فدرالیسم و همچنین مسئله مذهب در کردستان داشته باشیم تا بتوان با عینک واقع بینانه تری به آلترناتیو شوراهای مردمی نگاه کرد. بدون شناخت و آگاهی از عملکرد سیاسی این جریانها، نمیتوان به موانع پیش روی حاکمیت شوراهای مردمی در کردستان و بالطبع ضرورت بافتگی این آلترناتیو عینیت بخشید. مذهب در کردستان بدون گرایش به تعلقات ناسیونالیستی کمترین شانس برای ادامه حیات ندارد. سخیف ترین و مرتجعانه ترین گروههای مذهبی با دمیدن در آتش قومگرایی و شعارهای کردابیتی، توانسته اند خود را به عنوان مهره ای قابل اتکا در جنبش ناسیونالیستی کرد جا بدهند. بر این اساس یک رابطه دوفاکتو بین ناسیونالیسم کرد و مذهب در کردستان به عنوان تهدیدی بر سر جامعه خود نمایی میکند که هر دو نیز در آلترناتیو حکومت فدرالی تبلور می یابند. شناخت از این آلترناتیوها کمک میکند مطلوبیت آلترناتیو "کنگره سراسری شوراهای مردمی" را

**فکتور اول:**

**آلترناتیو حکومت فدرالی و جایگاه احزاب ناسیونالیست کرد**

ناسیونالیستها، قومگرایان و سیاسیون مذهبی، ساختار سیاسی و جغرافیای ایران را "موزاییکی" تعریف میکنند. یعنی ایران متشکل

شده از انواع اقوام و ملیتها و مذاهب مختلف که تحت هژمونی قدرت در مرکز مورد تبعیض قرار گرفته اند. نمایندگان این آلترناتیو در یکی دو دهه گذشته تلاش کرده اند که در مورد مناطق مورد مناقشه خود با جمهوری اسلامی به توافق برسند و بخشی از قدرت شوند اما تا به امروز بی نتیجه مانده است. این جریانها اگر جمهوری اسلامی آن را به رسمیت می شناخت، قرار بود خود بخشی از اداره قدرت زیر لوای پرچم جمهوری اسلامی بر اقوام مختلف باشند. آرزوی که هیچگاه متحقق نشد. اما، همچنین این آلترناتیو برای بعد از جمهوری اسلامی هم کماکان در روی میز نمایندگان آن قرار دارد. در هر دو صورت با یا بدون جمهوری اسلامی، قرار است با قدرالیزه کردن جامعه، جوامعی به رفع ستم ملی و مذهبی باشند. در این آلترناتیو قرار است که مرزهای جغرافیایی و انسانی بازتعریف شود. تنوع زبانی در یک استان، اینبار تبدیل به چماقی برای سرکوب و نفی دیگری میشود. این پراکندگی جغرافیایی و در هم ادغام شدن اقوام طی قرنهای قرار است با قشون کشی برای به دست گرفتن قدرت محلی بین کردها، ترکها، اعراب، لرها، فارسها، بلوچها و ترکمن و غیره به مرزهای چندین قرن گذشته برگردند. یک جنگ خونین قومی و مذهبی داخلی که نه تنها اثری از کمترین دستاورد برای مردم خلاص شده از جمهوری اسلامی در آن نیست، بلکه این بار قرار است توسط همسایه و همشهری و هم استانی که از قوم دیگر است مورد تهدید، تعرض و نفرت قرار بگیرد. نمایندگان این آلترناتیو بعد از جمهوری اسلامی به خوبی می دانند که چه آینده شومی را قرار است برای مردم بی گناه به ارمان بیابورند و همچنین میدانند که سنگری از آزادی خواهی و برابری طلبی در طول این چهل سال شکل گرفته که به واقعیت تبدیل شدن این آرزو را با موانع جدی روبرو خواهد کرد، به همین خاطر تا به امروز نیز حاضرند با جمهوری اسلامی در یک جبهه مشترک علیه خواست به زیر کشیدن این حاکمیت توسط مردم ستمدیده ایران سنگر ببندند، فقط با این شرط که در تقسیم قدرت شریک شوند.

در کردستان، احزاب ناسیونالیست کرد و جریانات مذهبی به خوبی معرف این تلاشها از زمان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی هستند. تقریباً همه مردم کردستان مطلع از مذاکرات پنهان و غیر علنی احزاب ناسیونالیست کرد با مسئولین جمهوری اسلامی میباشد. گروههای مذهبی نیز زیر سایه حاکمیت تا به امروز توانسته اند به رشد انگل وار خود ادامه بدهند و در ترویج افکار و عقاید خرافی و مرتجعانه خود دست کمی از جمهوری اسلامی ندارند. همچنین مردم کردستان میدانند که این سازمانها با قدرتهای مرتجع منطقه نیز روابط حسنه ای دارند و برای رسیدن به اهداف خود حاضرند هم با جمهوری اسلامی همکاری کنند هم با رقبای منطقه ای و جهانی جمهوری اسلامی. تا به امروز دوره ای نبوده که تمام احزاب ناسیونالیست کرد در عراق، ترکیه، سوریه و ایران با یکی از دولتهای مرتجع علیه دولت دیگری به بده بستن و امتیاز دهی نیافتاده باشند.



در میان خود این کمپ نیز، احزاب اصلی ناسیونالیست کرد هر کدام متحد یک دولت علیه احزاب دیگر است. حزب دمکرات کردستان عراق متحد ترکیه است، اتحادیه میهنی کردستان عراق متحد جمهوری اسلامی ایران، پک ک و شاخه ایرانی آن یعنی پژاک بر اساس موقعیتهای مختلف متحد جمهوری اسلامی ایران و حزب بعث سوریه، دو حزب دمکرات کردستان ایران هم به سیاق پدرخوانده معنوی خود یعنی حزب دمکرات کردستان عراق، خود را نزدیک به اتحاد با ترکیه و این چند سال اخیر عربستان کرده اند.

تمام این همسوی ها، اجیر شدن ها، مذاکرات پنهان و دست به دامن ارتجاع منطقه ای میخواد توجیهی برای "حل مسئله کرد" باشد. میخواد بگوید که رفع ستم ملی با به قدرت رسیدن این احزاب ناسیونالیست به یکباره رخت بر میبندد و ملت گل و بلبل را تاسیس خواهند کرد. رفع ستم ملی اسم رمز رفع موانع شریک شدن این احزاب در بهره کشی و استثمار بر کرده جامعه است. حکومت کنونی اقلیم کردستان عراق، سندی زنده و واقعی از انقیاد و ستم بر اکثریت جامعه کردستان عراق توسط احزاب حزب دمکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی میباشد. دیگر احزاب مرتجع قومی و مذهبی در اقلیم کردستان نیز زیر سایه این دو حزب، امر تحمیق و اشاعه عقب مانده ترین فرهنگ ضد انسانی را بر عهده دار دارند و به ارتزاق میپردازند. سرکوب آزادی های سیاسی، ستم کشی بر زنان، فقر و فلاکت گسترده جامعه کردستان، جوابی بود که این احزاب به حل مسئله کرد دادند.

### فاکتور دوم

### آلترناتیو فدرالیستی و جایگاه مذهب در کردستان ایران

گروه های مذهبی در کردستان هیچگاه به عنوان تهدیدی اساسی بر جامعه کردستان به حساب نیامدند و همان اوایل انقلاب تکلیفشان را توسط مردم و جنبش عظیم کمونیستی کف دستانشان گذاشتند. اما چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی همراه با سرکوب و شدیدترین اختناق سیاسی و اجتماعی، فضای را فراهم کرد تا این گروهها بتوانند مجال رشد و زنده ماندن پیدا کنند. از سوی دیگر، حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان نماینده بلامنازع ناسیونالیسم کرد، با گرایش شدید مذهبی، ضامن ترویج و اشاعه اسلام نوع تسنن با ایده های قوم گرایانه بود. گروهها و دسته های مذهبی با احزاب ناسیونالیست در تمام این سالها دو وجه مشترک "تسنن گرای و کردایتی" را در موازی همدیگر ترویج و تبلیغ کرده اند. آخوند کرد حکومتی با آخوند کرد به اصطلاح غیر حکومتی تا مکتب قرآنی ها و سلفی های کردستان خود را از هر کردی کردتر میدانند. همه احزاب ناسیونالیست کرد نیز مذهب را در کنار هویت کردایتی بخشی از هویت مردم کردستان تبلیغ می کنند و بارها اعلام کرده اند که پیوند جدایی ناپذیری بین این دو هویت در

کردستان وجود دارد.

در این آلترناتیو نقش و حضور جریانات مذهبی از جنس صوفی و شیخ تا مکتب قرآنی و سلفی های داعش در بدست گرفتن کرسی های خود را در سفره قدرت محفوظ است. آینده بعد از جمهوری اسلامی، قرار است که یک ارتجاع دیگری از جنس اقلیم کردستان عراق جواب دیگری به حل مسئله کرد باشد. در آلترناتیو فدرالیستی جای برای نحوه و یا حل مسئله معیشت، آزادی های اجتماعی و سیاسی، مسئله زنان با خواست برابری طلبانه وجود ندارد ارجحیت "والای" ساختارهای قومی و مذهبی بر حقوق پایه ای جامعه، تمام آن چیزی است که در این آلترناتیو پر رنگ است.

### شوراهای مردمی در کردستان علیه قومی، مذهبی کردن جامعه

آلترناتیو سراسری شوراهای مردمی در کردستان، درست نقطه مقابل آلترناتیو فدرالیستی ایستاده است. بعلاوه شوراهای مردمی تنها مرجعی است که جواب "ستم ملی و مذهبی" در جامعه را در خود دارد وقتی اعلام میکنند "لغو تمام قوانین تبعیض آمیز بر مبنای جنسیت، مذهب و قومیت! تضمین آزادی مذهب و بی مذهبی و برابری کامل شهروندان!" قدرت گرفتن مردم و تقدم یافتگی منافع جمعی در تامین آینده زندگی خود و تعیین نظام آتی در ایران بر اساس مجامع عمومی، هرگونه ساختار و گرایشی که بر پایه سیاستهای تبعیض آمیز از جمله جنسی، قومی و مذهبی در جامعه باشد را محدود میکند. بر این اساس، انتخاب هر نوع سیستم حکومتی در دموکراتیک ترین شکل موجود به رای گذاشته میشود. احزاب نیز باید برنامه و پلتفرم خود را به شوراهای مردم ارائه کنند و به رای مردم بگذارند، نه اینکه با امریکا یا عربستان به توافق برسند و بعنوان نماینده مردم قدرت را بدست بگیرند. این دمکراتیک بودن شوراها را در مقابل هر آلترناتیو دیگری نشان میدهد.

در فردای سرنوینی جمهوری اسلامی، این کنگره سراسری شوراهای مردمی است که به عنوان دولت قانونی و مشروع قدرت را در دست میگیرد. در کردستان همچون سراسر ایران، هیچ جریان، حزب یا دخالت گری خارجی این امکان را ندارد که خود را به عنوان قدرت حاکم خود را بر جامعه تحمیل کند. تمام احزاب و جریانات سیاسی و مسلح در کردستان موظف اند تابع "کنگره سراسری شوراهای مردمی" باشند. وظیفه تامین امنیت و حفاظت از مردم و جامعه در اشکال ملیشیشای توده ای رسمیت خواهد داشت و هرگونه باند، دسته یا جریانی که به حکم مسلح بودن قصد هژمونی کسب کردن داشته باشد، از سوی این شوراها طرد و منزوی خواهند شد. بنابراین کنگره شوراهای مردمی میتواند عملاً تمام برنامه های نیروهایی که منشا قدرتشان نه مردم که از تجاع منطقه و قدرتهای بین المللی است را به سرایی تبدیل کند و اجازه ندهد بدلیل

ساخت و پاخت احزاب بورژوازی با قدرتهای محلی و بین المللی و یا با بخشهایی از حاکمیت با ماجراجویی چند جریان مسلح، مردم در کردستان از دستاوردهای که دهه هاست برایش مبارزه کرده اند، محروم شوند و کردستان ایران مانند کردستان عراق جولانگاه نیروهای ارتجاعی شود.

پرونده احزاب ناسیونالیست کرد و گروههای مرتجع مذهبی در کردستان مملو است از دیپلماسی های مخفیانه با جمهوری اسلامی و دولت های دیگر. کمک گرفتن و تسلیح شدن این جریانات از سوی هر دولتی به اینها، طبعاً مترادف است با امتیاز دادن و اجازه دخالت گری شان در سرنوشت مردم کردستان و ایران، بنابراین یکی از وظایف شوراهای سراسری مردمی، تامین شفاف ترین و دموکراتیک ترین دخالت مردم و احزاب در ارائه برنامه های خود در راستای رسیدن به دستاوردهای انقلابی جامعه میباشد. کردستان ایران هیچ احتیاجی به دولتی از جنس اقلیم کردستان ندارد، همچنین خود را مبری از هرگونه دخالت گری ارتجاع منطقه ای و جهانی از جمله عربستان، ترکیه، اسرائیل و دیگر کشورهای غربی برای رسیدن به اهداف آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود میداند. تمام این جریانات و دولتهای پشت آنها خود تاریخ تنگینی در سرکوب آزادی خواهی و برابری طلبی جوامع تحت حاکمیت خود دارند. اگر احزاب کردی به حقانیت سیاستهای خودشان معتقدند، اگر آنطور که ادعا میکنند به رای مردم احترام میگذارند و خود را نماینده اکثریت مردم میدانند خوب چه ابایی دارند که برنامه و سیاست خود را در شوراهای مردمی به مردم معرفی کنند و اجازه بدهند مردم آنها را انتخاب کنند یا انتخاب نکنند. نمیشود ادعای نمایندگی مردم در کردستان را کرد اما آری پلتفرم خود را از امریکا یا عربستان گرفت. نماینده مردم در شوراهای مردم انتخاب میشوند نه در دلانهای پارلمانهای امریکا و اروپا و کاخ شیوخ عربستان!

"کنگره سراسری شوراهای مردمی" در کردستان، با پلتفرم آزادیخواهانه ای که حزب ارائه داده است، یک ضرورت حیاتی برای جواب دادن به مسئله رهایی از جمهوری اسلامی، منزوی کردن گروهها و دستجات مذهبی و منجمله سلفی ها، حل مسئله ستم ملی، لغو قوانین و سنتهای زن ستیزانه و تامین کامل خواست برابری تمام انسانها بدون توجه به جنسیت، زبان، مذهب، دادن قدرت به دست مردم، تامین بالاترین آزادی های سیاسی، اجتماعی برای جامعه، به اختیار درآوردن کنترل زندگی و معیشت خود و خشک کردن ریشه فقر، فلاکت، فساد در جامعه میباشد. مردم کردستان شایسته مدرن ترین، شادترین و استاندارترین زندگی میشوند. شوراهای مردمی آن ظرفیت که آینده ی روشن، امن و با ثبات را برای کل مردم ایران به ارمغان می آورد. شوراها را در محل زندگی، کار و آموزشی خود بنیاد کنید. آینده خود، خانواده و فرزندان را با تشکیل شوراهای مردمی تضمین کنید.

**شب تاریک ناسیونالیسم کرد و ...**

**محمد فتاحی**

همه میدانند که اتکای ناسیونالیسم کرد به امریکا و غرب طوری بوده که هیچ تصمیم سیاسی شان قبل از مشورت با قبیله عالم شان ممکن نبوده است. نه فقط این، حتی تصمیم تشکیلاتی برای ایجاد وحدت در صفوف خودشان هم متکی به مشاورت با مقامات امریکایی بوده است. حالا که این قبیله عالم مسیر سفر اینها به واشنگتن را بسته و تمام دنیای اینها تاریک تاریک شده است، ارباب جدید کدامین قدرت منطقه ای یا جهانی خواهد بود؟ در دوره قدرت شوروی، سوسیالیسم یک بند اصلی در تزیین ویرین سیاسی اینها بود. دوره صدارت امریکا بر جهان که شروع شد، اینها یک شبه نسخه های قبلی برنامه های شان را سوزانده و در اطاعت بی چون و چرا از غرب، مثل تمام سوسیالیست های دروغین تا آن روز، یک شبه دمکراسی خواه شدند! سوال حالا برای خودشان اینجاست که کدامین برنامه و شعار سیاسی نزد قدرت و قبیله بعدی مقبولیت دارد؟

از میان داده های موجود، از میان خودمختاری اسلامی، فدرالیسم قومی، پذیرش یا تسلیم بی ادعا به جمهوری اسلامی، کدامین گزینه ممکن است؟ تا اطلاع ثانوی، هیچکدام و مطلقا هیچکدام معلوم نیست!

با همه اینها، در میان این فضای تاریک و خفه کننده برای اینها، البته یک گزینه همیشه روی میز، دم دست اینهاست!

جمهوری اسلامی در محاصره جامعه است و برای مقابله با دشمن که مردم ایران اند، سرخ کمک می رود. نتیجتا حتی هشدار جمهوری اسلامی به دولت عراق برای بستن اردوگاههای اینها، شاید فشاری برای در منگنه گذاشتن اینها جهت پیوستن به آن، در مقطع نزدیک به روزهای سرنگونی است. هواداران آتشین اتحاد شاخه های دمکرات ها و زحمتکشانی ها هم ناچارند تا اطلاع ثانوی، و تا روشن شدن مسیر حرکت، دندان روی جگر بگذارند!

افق روشن کردستان کدام است؟

در متن تحولات امروز منطقه، ایران تنها جایی در کل منطقه است که در آن، طبقه کارگر و مردمان زحمتکش تصمیم به حرکت برای تامین یک زندگی نوین گرفته اند.

اعتصابات پر قدرت کارگری در بزرگترین مراکز صنعتی کشور، اعتبار عدالت و اداره شورایی، تحرک و جنب و جوش گرم، آنهم در دل حمله کرونا، در میان افشار وسیع مردم، یک آینده دیگری را مژده میدهد؛ آینده ای که در آن، مردم صاحب جامعه خواهند شد، مردم سیاست اتخاذ می کنند، و مردم همان سیاست را عملی می کنند. الטרناویو متولد شده حکومت شوراهای مردم، امروز تنها بدیلی است که جامعه میتواند آنرا ببیند، میتواند بخش قابل توجهی از رهبران و سازماندهندگان و سخنگویان آن را بشمارند، به هم نشان دهند و با اتکا به موجودیت عینی آنها، نه فقط از آنان درس بگیرند، بلکه در کنار آنها و دقیقا مانند آنها، مسیر باقیمانده را طی کنند.

**توطئه جمهوری اسلامی  
ایران علیه اپوزیسیون  
مستقر در اقلیم کردستان  
محکوم است!**

روز چهارشنبه ۱۱/۸/۲۰۲۱ در دیدار وزیر امور خارجه عراق با علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، خواستار بیرون کردن اپوزیسیون های مخالف جمهوری اسلامی از اقلیم کردستان شده و اعلام کرده اند که "اقلیم کردستان تبدیل به لانه مخالفان ایران" شده و باید برای اخراج آنها اقدام کرد!

این درخواست جمهوری اسلامی ایران در ادامه وعده های است که ابراهیم رئیسی رئیس جمهور جدید ایران در دوره انتخابات به طرفدار خود داده بود، و در اولین اقدام موسی باباخانی عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران را در اربیل ترور کردند!

بی شک تلاش های جمهوری سرکوب و اعدام اسلامی ایران، برای بیرون کردن نیروهای اپوزیسیون در اقلیم کردستان، سیاستی جدید نیست، همزمان همکاری و کمک احزاب حاکم کردستان و نیروهای مرتجع اسلامی عراق، برای هموار کردن خواسته های ایران بر مبنای تعرض به اپوزیسیون و تامین منافع ایران در عراق و کردستان، به قیمت فروپاشی شیرازه های مدنی و اجتماعی جامعه و ناامن کردن زندگی و معیشت مردم کردستان، کماکان در جریان بوده و بخشی از کارنامه تمام این جریانات است.

به دلیل بی ثباتی و پوشالی بودن حاکمیت در عراق و کردستان، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت کهنه پرست دخالتگر در اتفاقات سیاسی صحنه سیاست عراق و حضور و دخالت مستقیم نظامی در کردستان عراق، به بهانه های مختلف دست به ترور و توطئه کردن علیه مخالفان سیاسی خود و توپ باران کردن مفر های این احزاب میزند. همزمان نیز اگر نتوانسته باشد مستقیما دست به ترور و حذف مخالفان خود بزند، اما از طریق مزدوران، همکاری احزاب در قدرت کردستان و یا دیگر نیروهای مرتجع وابسته به جمهوری اسلامی، این توطئه ها را عملی کرده است. اگر امروز جمهوری اسلامی خواستار بیرون کردن مخالفان خود از اقلیم کردستان میباشد، یک توطئه کاملا آشکار برای تشدید سرکوب گری و گسترش تروریسم که یکی از مخاطرات آن نا امن تر کردن جامعه کردستان میباشد و نباید از طرف هیچ انسان آزادیخواهی مورد پذیرش قرار بگیرد. همچنین به احزاب حاکم در کردستان عراق نباید اجازه داد این توطئه و نقشه کثیف جمهوری اسلامی ایران عملی گردد و ضروریست حاکمیت را وادار به عهده گرفتن مسئولیت برای تامین حفاظت از امنیت و آسایش عمومی و همچنین احزاب اپوزیسیون ایران کرد.

حزب کمونیست کارگری کردستان در عین حال که علیه هر نوع دخالت و تعرض جمهوری اسلامی ایران در کردستان و عراق میباشد،

در کردستان، هیچ کارگر و زحمتکشی و هیچ زن و مرد آزاده ای نیست که قادر به پیدا کردن یک جا و یک نقطه برای حرکت خویش نبیند. نه فقط این، بلکه تمام درس ها و تجارب مبارزات سراسری، مستقیما میتواند در کردستان بدست گرفته شوند. اگر سرنوشت سران احزاب کردایتی به بود نبود قدرت های ارتجاع جهانی و منطقه ای گره خورده است، اگر برای آنها، تقسیم جامعه به قباایل و اقوام و ملل و تفرقه قومی و مذهبی، نقشه شوم به جان هم انداختن مردم و کشتار همسایه بدست همسایه، برای تعیین مرزهای قومی، نقشه است، چرا کارگر و زحمتکش و زن و مرد آزاده در کردستان، برای رسیدن به آرزوهای زندگی اش، دست در دست تهرانی و مشهدی و خراسانی و آذربایجانی نگذارد، تا در یک اتحاد میلیونی، همه ما پیروز شویم؟

قدم برداشتن برای اتحاد در محل زندگی و در محل کار، ایجاد نهادهای توده ای، ایجاد شوراهای مردمی، میتواند پیشروی در این مسیر را ممکن کند.

۳۱ اوت ۲۰۲۱

**اگر دنیا دست ما  
باشد..**

**اگر دنیا دست ما  
باشد جنگ و آوارگی  
و فراری در کار  
نخواهد بود؛ صلح و  
آرامش گذرگاههایش  
را می آرایند..**

**اگر دنیا دست ما  
باشد هیچ انسانی از  
بی سرپناهی و نایمی  
در عذاب نخواهد  
بود؛ سعادت و  
خوشبختی به وفور  
یافت می شود...**

## اطلاعیه دفتر کردستان حزب: توطئه جمهوری اسلامی علیه اپوزیسیون مستقر در اقلیم کردستان محکوم است!

طبق اطلاعیه حزب کمونیست کارگری کردستان، علی شمخانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی، در ملاقات با وزیر خارجه عراق در ۱۱ اوت، خواستار اخراج سازمانهای اپوزیسیون مستقر در اقلیم کردستان عراق شده است.

هدف جمهوری اسلامی استفاده از "فرصت مناسب" عقب نشینی امریکا از افغانستان و تأثیرات آن بر منطقه، برای فشار به اپوزیسیون ایرانی مستقر در کردستان عراق است. هدف اصلی رژیم اسلامی اما در اساس، نه عقب راندن احزاب مستقر در خارج کشور، که آن دشمن اصلی مستقر در داخل کشور، در تهران و مشهد و اصفهان و تبریز و... است. ترورها و آدم ربایی های سال های اخیر از میان اپوزیسیون، همین هدف اصلی را نشانه گرفته است. جمهوری اسلامی ناتوان از مقابله با مردمی که برای به زیر کشیدن آن به میدان آمده اند، ناتوان از سرکوب کارگر، زن و مرد معترض و آزادیخواه در جامعه تلاش میکند با اتکا به متحدین مرتجع خود در منطقه، با اتکا به آدم ربایی و ترور مخالفین سیاسی و توطئه علیه نیروهای اپوزیسیون در خارج از کشور "قدرت" برباد رفته خود را به دشمن اصلی خود در داخل ایران نشان دهد. تلاش میکند شکست خود در مقابل نفرت و خشم میلیونی مردم در ایران، در مقابل طبقه کارگر و مردمی که تصمیم به جaro کردن شان گرفته اند، با توطئه های جیوانانه در خارج کشور جبران کند.

دفتر کردستان حزب، ضمن محکوم کردن هرگونه توطئه علیه اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق، حاکمان اقلیم کردستان عراق را مسئول تأمین امنیت این احزاب دانسته و هرگونه توطئه مشترک با رژیم اسلامی علیه امنیت آنها را محکوم می کند. دولت اقلیم باید بداند که گره زدن سرنوشت خود به سرنوشت این نظام رفتنی، در پیشگاه مردم ایران، محکوم است.

جواب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در ایران به توطئه های بی ثمر جمهوری اسلامی، تقویت صفوف خویش برای پایان دادن به حاکمیت سیاه اسلامی، سازماندهی شوراهای مردمی در محل کار و زیست و تأمین یک آلتزناتیو قدرتمند برای جایگزینی این نظام جهنمی، است.

در جواب به تلاشهای زیوانانه جمهوری اسلامی و متحدین مرتجع آن، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه خود را برای بدست گرفتن سرنوشت خود، برای ساختن حکومت برآمده از اراده مستقیم خود، حکومت شوراهای مردم، آماده میکنند.

دفتر کردستان حزب حکمتیست (خط رسمی)

۲۴ اوت ۲۰۲۱

پیلانگیری و لیدان له نیارانی سیاسی خویی و توپپارانکردن بارمگاکانی توپوزسیون. تمنانمت نهگمر راستهخو خوشی نهیتوانیدیت بهم کارنامه ئینسانکوژی و سهرکوتنگهریه ههلبیست، نهوا له ریگای بهرکیگیروان و هاوکاری حزبهکانی دسهلات له کوردستان و ئه هیزه کونهپرستانه ی لهپال جمهوری ئیسلامی ئیراندان، پلانی تیرور و تهسلیمکردنهوه ی ههلسوروانی سیاسی توپوزسیونی ئیرانیان نهجامداوه. ئهوه ی له ئیستادا جمهوری ئیسلامی ئیران داوا دهکات نیارانی له ههریمی کوردستان ودهرنرین، پیلانئیکی ئاشکرایه بو سهرکوتنگهری و پهردان بهتیروریزم و ئینسانکوژی که بیگومان یهکیک له ناکامهکانی تیکدانی نارامی کومهلگه ی کوردستانه و نابی لهلایهن ههرینیسانئیکی نازادیکخوازه و بهدرهستهوه قهبول بکری. ههروه ها دهیبت ریگه نهدریت به حزبه دسهلاتدارمگانی کوردستان، ئه م پیلان و سیاسته گلاوه ی جمهوری ئیسلامی ئیران بچینهسهر و پنیویسته دسهلاتداران بهرپرسیار بکرین بهرامبهر پاراستنی نهمنی و ئاسایشی کومه لایهتی لهیهدم ههمواندا، به لایهنه توپوزسیونهکانی ئیرانیهسهوه.

حزبی کومونبستی کریکاری کوردستان لهگهل ئهوه دا له دژی ههه جوره دهخالهت و دهستدریژیکی جمهوری ئیسلامی ئیران لهکوردستان و عیراق رادهوستی، هاوکات پیلانگیری ئه م رژیمه هارو درندهیه، لهدژی لایهنه ئوپوزسیونهکان که له ههریمی کوردستاندا نیشهجین، ریسواو مه محکوم دهکات و رای گشتی خه لکی کوردستانی لیناگادار دهکاتهوه. حزبی کومونبستی کریکاری کوردستان حزبه دسهلاتدارمگان بهر پرسیار دهکات بهرامبهر پاراستن و نهمنیهتی گیانی ههلسوروانی سیاسی ئیران له کوردستان و ههه جوره دهستدریژییک بو سهریان.

حزبی کومونبستی کریکاری کوردستان  
۱۶/۸/۲۰۲۱

### دنیا بدون فراخوان

### سوسیالیسم

### بدون امید سوسیالیسم

### بدون «خطر» سوسیالیسم،

### به چه منجلابی تبدیل خواهد

شد..

منصور حکمت

همزمان نیز توطئه گری این رژیم هار و وحشی علیه اپوزیسیون که در کردستان عراق بسر میبرند را افشا و محکوم میکند و افکار عمومی مردم کردستان را نیز از نقشه ها مطلع خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری کردستان، تمام احزاب حاکم در کردستان را مسئول تأمین امنیت جانی فعالین سیاسی ایران در کردستان و هر نوع تهدید و تعرضی علیه آنان میداند.

### حزب کمونیست کارگری کردستان

۲۰۲۱/۱۶/۸

## پیلانگیری کوماری ئیسلامی ئیران له دژی لایهنه ئوپوزسیونهکان،

## له ههریمی کوردستان ریسواو مه محکومه!

رژوی چواشه مه ۱۱/۸/۲۰۲۱ له میانی دیداری وهزیری دهرهوه ی عیراق، لهگهل عهلی شهخانی، سکرتری ئهجمونهی بالای ئاسایشی نیشتمانیی ئیران له تاران، داوا ی دهرکردنی حزبهکانی ئوپوزسیونی کوماری ئیسلامی ئیرانیان له ههریمی کوردستان، لیکرا و پینان راگهیانداوه که "ههریمی کوردستان بوته لانه ی گروه بهر ههلستکاریهکانی ئیران" و دهجی ههولئ ودهرنانیان بدریت!

ئه م داوایه ی جمهوری ئیسلامی ئیران له دریزه ی ئه وه بلینانهدایه که ئیبراهیم رهنیسی سهروک کوماری نوئی ئیران له سهرخستنی بانگهشه ی ههلبزاردنهکاندا به لایهنگرانی خوی دابووی، وه له یهکهمین ههنگاویشدا موسا باباخانی، ئه ندامی کومیته ناوهندی حزبی دیموکراتی ئیران، له ههولئیر تیرور کرا.

بیگومان ههولمهکانی کوماری سهروکوتوی سیداره ی ئیسلامی لهئیران، بو دورخستنهوه ی هیزمکانی توپوزسیون لهههریمی کوردستان، سیاستهتیکی تازه نییه، هاوکات کومهک و هاوکاریهکانی نهحزابی دسهلاتداری کوردستان و هیزه کونهپرسته ئیسلامیهکانی عیراق، بو جیههجیکردنی نهجنداکانی ئیرانیش له پیناو لیدان له توپوزسیون و پاراستنی بهرژمونهفندیهکانی ئیران له عیراق و کوردستاندا، به نرخه تیکدانی شیرازه ی ژبانی مهدهنی و ناتارامکردنی ژبان و گوزهرانی خه لکی کوردستان، بهردهوام دریزه ی ههجه و بهشیک بووه له کارنامه ی ههموو ئه م هیزانه.

بههوی ناجیگیری و بوئشایی حکومت و دسهلاتئیکی قشهلهوه له عیراق و کوردستاندا، جمهوری ئیسلامی ئیران هههمیشه وهک هیزیکی کونهپرستی دهخالهنگه له نالوگوره سیاسیهکانی سهرساحه ی سیاسی عیراقدا و بهردهوام لهکهنار دهخالهتی راستهخوی سهربازیدا له کوردستانی عیراق، به بههانه ی جوراجوروه دهستی برده بو تیرور و

## افغانستان تجربه ای تلخ، اما...

### آسو سهامی

پروسه دخالت گری آمریکا و دول سرمایه داری در افغانستان بالاخره بعد از کشمکشهای فراوان، همراه با کشته شدن هزاران نفر، ناقص العضو شدن هزاران دیگر، آواره شدن میلیونی و ویرانی کامل یک کشور، بالاخره با هماهنگی کامل و تحویل دادن آن به طالبان وارد فاز جدیدی شد. تجربه ای تلخ اما آموزنده برای مردم سایر کشورها و خصوصاً خاورمیانه.

بورژوازی جهانی و در راس آن، آمریکا و ناتو اگر چه توانستند این توهم و خوشبختی را در دل یکسری حزب و جریانات خاص ایجاد کنند که با تکیه به آمریکا می توانند به قدرت برسند و بر مردم حکومت کنند، تجارب دخالتگری این قدرتها در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، مصر و دیگر نقاط جهان و به قدرت رسیدن احزاب سناریو سیاهی به کمک آمریکا به ما نشان می دهد که به قیمت میلیونها کشته، ویرانی این کشورها و سالها آوارگی، رنج و فلاکت مردم تمام شده است.

آخرین نمونه این مدل از دمکراسی و دخالتگری را طی چند روز گذشته جهانیان به چشم خود در افغانستان دیدند. تصمیم گرفتند تا دولت خودنشانده را بردارند تا طالبان خود ساخته را جای آن قرار دهند، هم تدارکات لجستیکی و تسلیحاتی را در اختیار طالبان قرار دادند و هم ارتش و دولت را مجبور به عدم مقاومت کردند (تسلیم پذیری) و از همه مهمتر میدیا و دستگاههای تبلیغاتی خود را نیز در این راستا به خدمت گرفتند.

بی شک این تجارب اگر چه تلخ، اما آموزه های گرانبهای برای مردم ایران و خصوصاً کردستان در بر خواهد داشت تا به یاد بیاورند که احزاب ناسیونالیستی، قوم پرست و سناریو سیاهی ایرانی و کردستانی که در آرزوی سوار شدن بر تانک آمریکایی، در فکر حاکمیت از بالا بر مردم، هر روز در کریدورهای سنای آمریکا، برای دون پایه ترین کارمند دولا و راست می شدند و آنرا به عنوان تلاشهای اپوزیسیون برای دمکراسی از میدیا هایشان تبلیغ می کردند و چه خوابی برای مردم دیده بودند تا به قیمت ویرانی و آوارگی مردم این منطقه نیز، خود به قدرت و نوایی برسند.

بالاخره و بعد از گفتگوهای چند جانبه دولتهای روسیه، چین، آمریکا و دول غربی، با همکاری این کشورها، سرنوشت ملتی که بیش از چهل سال است، آرامش و آزادی را به خود ندیده است، به طور کامل تحویل گروه تندرو اسلامی یعنی طالبان داده شد.

میدیاها غرب، از بی بی سی و رادیو آمریکا گرفته تا رادیو فردا و تلویزیون انترنشنال، طی همین مدت تمامی تلاش خود را کردند که

این سناریو ساختگی و سقوط یک کشور را حاصل جنگ و پیشروی طالبان در شهرهای افغانستان قلمداد کنند، غافل از اینکه تمامی مردم دنیا و خصوصاً افغانستان بر این واقعیت اذعان دارند که پروسه به قدرت رسیدن طالبان حاصل سناریویی بود که چندین سال است به شیوه ای آشکارو پنهان از سوی بلوکهای مختلف بورژوازی جهانی در حال بررسی بود.

دولتهای بورژوازی در کمال بی شرمی، تلاش می کنند که گناه عدم مقاومت در برابر طالبان را بر گردن ارتش پوشالی افغانستان بیاندازند، البته ارتش این کشور را مجبور به تسلیم طلبی کردند و به قول یکی از دوستان حتی اگر درجاده ها و سر راه نیروهای طالبان تنها سنگ خالی می چیدند و وقفه ای ایجاد می کردند، ماه ها طول می کشید تا طالبان به این راحتی شهرهای افغانستان را اشغال کند.

از ۱۹۷۹ دولت آمریکا، با همکاری پاکستان، عربستان به بهانه طرفداری حزب "دمکراتیک خلق افغانستان" از سرمایه داری دولتی "شوروی"، با در اختیار دادن بودجه و آموزش و همچنین مسلح کردن گروههای تندرو اسلامی، با سیل دلارهای عربستان و تسلیحات آمریکا آنها را تحت حمایت خود قرار دادند تا گروههای تندروی مثل مجاهدین، طالبان و القاعده تحت عنوان "امارات اسلامی" با ساقط کردن حکومت "دکتر نجیب" کنترل تمام خاک افغانستان را به دست بگیرند و این جامعه را به قهقرا ببرند، آنزمان رئیس جمهوری وقت دکتر نجیب اله به همراه برادرش که به دفتر سازمان ملل در کابل پناهنده شده بودند، توسط طالبان ربوده شدند و پس از شکنجه های وحشیانه، اعدام و جنازه هایشان را در ملامع آویزان کردند.

بعد از چند سال حکومت سپاه طالبان بر این کشور و به دنبال حمله تروریستی القاعده در یازده سپتامبر به برجهای بانک تجارت جهانی و خودداری طالبان از استرداد القاعده به آمریکا، دولت آمریکا به همراه دیگر کشورهای ناتو تحت عنوان جنگ با "تروریسم دولتی" به افغانستان حمله کرد، این حملات در ظاهر زیر نام جنگ با تروریسم لقب گرفت، اما هدف اصلی آزمایش و فروش انواع جنگ افزارهای کشتار جمعی در این کشور، غارت منابع طبیعی، ویرانی و به قهقرا بردن جامعه افغانستان بود و همانگونه که "جو بایدن" رئیس جمهوری آمریکا بعد از بیست سال می گوید: هدف آنها آزادی افغانستان نبود و بلکه جنگ با القاعده بود.

آمریکا بیست سال پیش به ظاهر طالبان را از حکومت بر افغانستان بر کنار کرد، اما طالبان همانند "دولت در سایه" در حکومت دست نشانده جمهوری اسلامی افغانستان، باقی ماند. دولتی که نه برخواسته از اراده و خواست مردم این سرزمین، بلکه یک دولت ارتجاعی

اسلامی بود، دولتمردان این دولت همان کارتل های مافیایی مواد مخدر و تاراج منابع طبیعی این کشور بودند و دولتشان همانند طالبان قوانینش بر پایه اسلام و شریعت بود که تنها در خدمت منافع قدرتهای بورژوازی و طی دوران حکمروایی خود نتوانست تغییری در وضعیت معیشتی، بهداشتی و زیر ساختهای اقتصادی این کشور بدهد، بلکه در واقع همان سیاستهای طالبان را به شیوه ای ملایم تر دنبال می کرد. در قوانین این کشور حقوق زنان هیچگاه به مثابه یک انسان در نظر گرفته نشد، در زمان حاکمیت بیست ساله این حکومت بود که مدارس دخترانه را به خاک و خون کشیدند و شاهد مهاجرت میلیونها نفر از این مملکت به دلیل فقر، گرسنگی، بیکاری، بی حقوقی و جنگ به دیگر کشورها بودیم.

نگاهی به جغرافیای انسانی افغانستان و گوناگونی زبان، مذهب، دین و حتی فرهنگ در این منطقه خود به عنوان فاکتوری مهم در پروسه جنگ های داخلی این کشور عمل کرده است، فاکتور بسیار مهم دیگر اینکه طی تمامی این سالها، شاهد قتل و عام انسانهای پیشرو، آزادیخواه و برابری طلب به دست طالبان و دیگر گروه های قومی و مذهبی و ترویج تفکرات پوسیده و ارتجاعی ناسیونالیستی، قوم پرستی و تندرو مذهبی بودیم که خود به عاملی مهم در عدم همبستگی مردم در برابر ارتجاع و عدم دخالتگری مستقیم مردم در سرنوشت و زندگی خودشان عمل کرده است. از همه مهمتر دولتهای بورژوازی از این فاکتور برای عدم اتحاد مردم و بر افروخته نگه داشتن آتش جنگ در این منطقه به نفع خود استفاده کردند.

حکومت جمهوری اسلامی افغانستان نه انتخاب مردم افغانستان بود و نه هیچ وقت اراده و خواست مردم این سرزمین را نمایندگی کرد. این حکومت را انواع باندهای دزد و چپاولگری به عهده داشتند تا منافع خود و سرمایه داری جهانی به رهبری آمریکا را تامین کند.

لذا باید خاطر نشان کرد که تمامی فاکتور های بالا و به اضافه عدم یک آلترناتیو انسانی و برابری طلبانه، تسلط طالبان و یا هر گروه تندرو دیگری بر این منطقه را آسان نمود.

اگر چه واقعیت اینست که سیاست های دخالت نظامی آمریکا و متحدانش در هر گوشه دنیا با شکست روبرو شده است، اما در مورد افغانستان باید گفت که طالبان نرفته بود که برگردد، برگشت طالبان خود بخشی از سیاست آمریکا و دیگر کشورهای سرمایه داری در این منطقه بود. طالبان را همچون استخوان لای زخم نگه داشته بود. در زمان ریاست جمهوری ترامپ بعد از نشستهای متعدد با این گروه، هزاران عضو طالبان از زندان های آمریکا آزاد کردند و این گروه را از لیست تروریستی خود خارج کردند و تصمیم گرفتند که در وقیحانه ترین شکل ممکن سرنوشت مردم این جغرافیا را دوباره تحویل ارتجاع طالبان دهند و در کمال بی شرمی اعلام کنند که "هدف ما مبارزه با تروریسم القاعده بود و ماموریت بیست ساله ما تمام شد" و

**نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی**

به این شکل شانه از زیر تمام مسئولیتهای این خیانت و این جنایت آشکار خالی کنند.

آمریکا و متحدانش در مدت یک هفته اخیر با میدبای رسمی و دستگاه تبلیغی خود در کمال وقاحت و بیشرمی و با وارونه نمائی از وضعیت وخیم مردم افغانستان و پزهای دروغین دفاع از حقوق بشر، تلاش دارند تا تصویر طالبان "متمدن شده" و "معتدل" تر را به جهان نشان دهند و حاکمیت طالبان را به رسمیت شناخته و به مردم افغانستان و دنیا قالب کنند، همانگونه که جمهوری اسلامی ایران را به مردم قالب کردند. این بی شرمی تا آنجا پیشرفت که حتی علارغم اینکه طالبان خود مسئولیت انفجارهای روز پنج شنبه 26 آگوست فرودگاه کابل را بر عهده گرفت، برای تلطیف طالبان و به بیراهه بردن اذهان عمومی این زنجیره انفجارات را به داعش خراسان مرتبط کردند (اگر چه فرق ماهوی بین داعش، طالبان و القاعده وجود ندارد).

از سوی دیگر ارتباطات و نشست های متعدد در این سالهای اخیر و به رسمیت شناختن "امارات اسلامی" از طرف بلوک چین، روسیه و متحدینش به نام سیاست "عدم دخالت در امر داخلی این کشور"، نامبردند تا حقوق بشر و امنیت جانی میلیونها تن از مردم اسیر در دست طالبان را به سخره بگیرند و فدای منافع اقتصادی خود کنند.

دستگاه های تبلیغاتی و رسانه های دنیای سرمایه داری در این مدت تمام تلاششان کردند که اذهان عموم را به انحراف بکشانند و ادعا کنند که آمریکا و متحدینش در فکر جان کسانی هستند که طی این سالها با آنها همکاری کرده اند، اما تصاویر و فیلم های ارسالی توسط مردم از فرودگاه کابل این ادعای پوچ را بسیار سریع افشا کرد. مردم دنیا شاهد بودند که همزمان که طالبان مشغول کشتار مردان و زنان بود، آنطرف تر در فرودگاه کابل که بنا به توافق رسمی طالبان و آمریکا، کنترل فرودگاه در اختیار نیروهای آمریکایی و متحدینش از جمله آلمان و ترکیه بود، از یک سو با هواپیمای نظامی آمریکایی سران طالبان را به کابل منتقل می کردند و از سوی دیگر در فرودگاه کابل به مردم بی گناهی که به آنها پناه آورده بودن شلیک کردند، از هواپیما سقوط کردند و به ضرب اسلحه و با بی حرمتی مردم را از فرودگاه بیرون می کردند و اسم آنها برقراری نظم نهند.

در اینکه با به قدرت رسیدن طالبان چه بر سر مردم و خصوصا زنان و کودکان، زیر ساختهای فرهنگی، اقتصادی آن جامعه خواهد آمد؟ کاملا روشن و عیان است، نمونه بارز آن کشور ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامیست که طی چهل سال گذشته چه بلاهایی که بر سر مردم و خصوصا زنان در این جامعه نیآورده است.

در زمان حمله آمریکا و متحدینش به این کشورهای عراق و افغانستان، اپوزیسیون راست و پرو غربی، ناسیونالیستهای کردی و ایرانی، جناب شاهزاده و سلطنت طلبان، در لابی های کاخ سفید و سنای آمریکا صف می بستند و با آرزوی سوار شدن بر تانک های آمریکایی، خواب حکومت بر مردم ایران را در

سر می پروراندند و برای هر کارمند کاخ سفید دولا راست می شدند و خود شیرینی می کردند.

تجارب تلخ افغانستان و عراق و حکومتهای دست نشانده آمریکا در این کشورها می تواند برای طبقه کارگر و مردم ایران بسیار آموزنده باشد. مردم کردستان بهتر از هر کسی می دانند که حکومت کردی مورد حمایت آمریکا و غرب چه بر سر کردستان عراق و چه بر سر طبقه کارگر، زنان و مردم آن جامعه آورده است، می بیند که کنار دستشان حکومت اقلیم کردی، در قبال کوچکترین اعتراضی، جواشان را با گلوله می دهد و این همان دمکراسی هدیه کشورهای سرمایه داریست برای طبقه کارگر این کشورها.

اگر چه با رسوایی های دخالتگری آمریکا و متحدینش در کشورهای خاورمیانه، اکنون دیگر اپوزیسیون راست و پرو غرب، جرات به زبان آوردن تکرار پروژه افغانستان و عراق را در ایران ندارد، اما بی گمان با حمایت آمریکا از طالبان و به قدرت رساندن این گروه، شاخکهای مزدوری این احزاب و گروه ها دوباره حساس خواهد شد و در آرزوی تکرار این پروژه و به قدرت رسیدن خود با اتکا به آمریکا تلاش خواهند کرد.

واقعیت اینست که ارتجاع طالبان، از ارتجاع سلفی ها در کردستان جدا نیست و ریشه هر دو یکیت، جریاناتی ارتجاعی که برای قدرت گیری خود به طالبان و آمریکا اتکا می کنند و تلاش می کنند با ایجاد تحریکات قومی، مذهبی و ارتجاعی در کردستان به قدرت برسند، برای مردم شناخته شده اند.

احزاب و جریانات ناسیونالیست کردستان نیز برای به قدرت رسیدن خود حاضرند با تمامی این جریانات ارتجاعی و فاشیستی متحد شوند، مگر همین احزاب نبودند که تصمیم داشتند با طرفداران "احمد مفتی زاده" جلسات مشترک برگزار کنند و به توافقاتی برسند؟ مگر حزب دمکرات کردستان ایران نبود که ایجاد تشکل علمای اسلامی را اعلام کرد؟ مگر احزاب اقماری "پ ک ک" یعنی پژاک و "ک ج ک" در تمام مناسبات دینی و مذهبی بیانییه و اطلاعیه صادر می کنند و مردم را به پیروی از ارتجاع و امامان شیعی و سنی فرا می خوانند؟

احزاب و جریانات ارتجاعی، ناسیونالیست، قوم پرست و فدرالیستی از قدرت عظیم طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان به درستی اطلاع دارند و می دانند که در یک فضای باز سیاسی هر گونه ارتجاعی را وادار به شکست خواهند کرد و لذا نقطه مشترک اصلی تمامی این جریانات ناسیونالیستی و ارتجاعی ضدیت با این جنبش عظیم طبقه کارگر و مردم ستم دیده جامعه و ضدیت با جنبش سوسیالیستی موجود در کردستان است.

اتفاقات این اواخر در شهرهای کردستان، حملات سلفی ها با چاقو و شمشیر به مردم عادی و ایجاد فضای ارباب و تهدید در جامعه که با ایستادگی و مقاومت مردم شهرهای

سنندج و مریوان روبرو شد و حمایت دیگر شهرهای کردستان از این مقاومت، به درستی این ادعا را اثبات می کند که جریانات اسلامی و ارتجاعی در کردستان هیچ جایگاه و اعتباری ندارند و علیرغم تمام امکانات و ابزار تحمیق و سرکوبی که در دست داشته اند نتوانسته اند مردم را به تمکین وادارند.

تلاش ناسیونالیسم نیز برای نزدیکی به این جریانات مذهبی و همچنین تلاش برای ایجاد فضای قوم پرستی جنگ قومی در این منطقه که نمونه آخرش را در اتفاقات شهر "نقده" شاهد بودیم و شکستشان در این پروژه، نشان از کم اعتباری این جریان است. جنبش برابری طلبی و آزادیخواهی با تکیه به خواسته های چپ و سوسیالیستی، ماهیت واقعی ناسیونالیسم و مذهب را بدرستی شناخته و در عمل بارها تضاد خود را با این تفکر به اثبات رسانده است.

مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان به روشنی می دانند که منبع کمکهای مالی احزاب ناسیونالیست کرد (چپ و راست) و دیگر جریانات تندرو اسلامی من جمله سلفی ها و مفتی زاده یی ها، دقیقاً همان منبعی است که برای داعش و طالبان کمک مالی می فرستند.

مردم هوشیار کردستان که همیشه پیشقراول جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بوده اند، اجازه نخواهند داد هیچ حزب و جریانی به اسم کردایتی و مذهب از بالا و به کمک دولتهای بورژوازی برای آنها تصمیم بگیرند و بر آنها حکومت کند و زندگی و آینده شان را به گروگان بگیرند.

اکنون که طبقه کارگر کردستان و مردم ستم دیده این منطقه خطر جریانات ارتجاعی و ناسیونالیستی را به درستی شناخته و درک کرده اند و می دانند در صورت به قدرت رسیدن این جریانات چه فاجعه ای رخ خواهد داد، این نکته را هم به درستی می دانند که تنها راه پیشگیری از این فاجعه، تنها راه جلوگیری از رشد ارتجاع، تنها راه جلوگیری از رشد ناسیونالیسم، قوم پرستی و فاشیسم، تنها راه جلوگیری از سرکوب دوباره، تنها راه جلوگیری از زن ستیزی، استثمار و تحمیق انسان، تنها از طریق دخالت مستقیم مردم در سرنوشت خود و آنها از طریق "شوراهای مردمی" امکان پذیر است.

اکنون که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی تحت فشار اعتصابات بزرگ کارگری و اعتراضات و خیزش های توده ای در سرآشویی سرنگونی قرار گرفته است. اکنون که مردم در همبستگی با مردم افغانستان و در تقابل با هر جریان تروریستی اسلام سیاسی و دیگر جریانات باند سیاهی سلفی و داعشی صف کشیده اند، اکنون که جامعه حول پرچم کارگری پولاریزه شده، اکنون که طبقه کارگر، جامعه را حول خود قطبی کرده است، اکنون که پرچم "کنگره سراسری شوراهای مردمی" می رود که به تنها آلترناتیو طبقه کارگر و مردم محروم جامعه تبدیل شود. طبقه کارگر کردستان نیز خود را بخشی از این مبارزه در بعد سراسری برای بدست گرفتن سرنوشت خود می داند و به "کنگره سراسری شوراهای مردمی" تکیه می کند.

اکنون که جامعه ایران وارد دوران سرنوشت سازی شده است و طبقه کارگر و مردم محروم جامعه با تجربه چهل سال مبارزه علیه استثمار، فقر، زن سئیزی، بی حقوقی، استبداد سیاسی، از هم اکنون شکل و نوع حکومتی که ضامن اعمال اراده مردم در سرنوشت خود، ضامن آزادی و برابری باشد را بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی بر روی میز کار گذاشته اند.

"کنگره سراسری شوراهای مردمی" می تواند و تنها شکل و نوع حکومتی است که دخالت مردم را در اداره جامعه، در قانون گذاری و اجرای قوانین مملکت تضمین کند.

مردم از طریق "کنگره سراسری شوراهای مردمی" خود اجازه نخواهند داد که جریانات باند سپاهی سلفی، داعشی، ناسیونالیست، قوم پرست و از همه مهمتر دولتهای سرمایه داری از بالا بر مردم حکومت کنند و برایشان تعیین تکلیف کنند و جان و مال، اراده، زندگی و آینده آنها را به گروگان بگیرند.

حاکمیت شوراهای سراسری مردم ایران، تضمین کننده حاکمیت خود مردم ایران بر سرنوشت خود و تضمین آزادی، برابری و رفاه در آینده این منطقه خواهد بود.

حزب حکمتیست (خطر رسمی) مفاد اصلی و اصول پایه ای قانون اساسی پیشنهادی خود برای تضمین وسیعترین آزادی های سیاسی، تامین امنیت و رفاه عمومی جامعه را، زیر عنوان "اصول پایه قانون اساسی پیشنهادی حزب حکمتیست" به "کنگره موسس حکومت آتی"، اعلام کرده است. مفاد این قوانین حقوق اولیه و خدشه ناپذیر همه مردم در ایران است. این قوانین را به عنوان خواست و مطالبات فوری خود اعلام کنیم و حول آن متحد شویم. اینها حقوق خدشه ناپذیر و انسانی ما است و نباید به چیزی کمتر از این قانع شویم.

26 آگوست 2021

## اگر قدرت دست

## طبقه کارگر و

## شوراهای مردمی

## باشد، فقر، فلاکت و

## بی خانمانی رخت

## بر خواهد بست..

## تنش قومی نقده؛ "شورای همکاری چپ" کجا ایستاد؟

محمد فتاحی

تنش و درگیری قومی روز ۱۶ مرداد شهر نقده مورد نفرت اکثریت مردم منتسب به اقوام کرد و ترک این شهر است. بیانیه های شفاف تعداد قابل توجهی از جمع های مختلف این شهر گواه این مخالفت شدید بخش اعظم ساکنان این شهر است. بیانیه های متعدد جمع های فرهنگی و مدنی و اجتماعی صادر شده که تفرقه افکنی و تبلیغ نفرت قومی و قوم پرستی را محکوم کرده اند. اضافه بر این بیانیه ها، تعداد زیادی از مردمان منطقه کردنشین، شفاها و حضوری، در مسجد سید عبدالله کمالی، اعتراض شدید خود را به نقش دو آخوند کرد، ملا عمر و ملا غفور، محرکین اصلی شروع این واقعه راه، ابراز داشته اند.

در کنار این فضای شهر، اطلاعیه شماری از جریانات متشکل در "شورای همکاری جریانات چپ و کمونیست" را هم داریم که در این تنش قومی، تصمیم به تقدیس و دفاع از یک حرکت قومی گرفته اند، که محصول نقش تبهکارانه دو آخوند مرتجع کرد است. اولی ملا غفور، آخوند مسجد "حاج خدر" واقع در محله نزدیک به محل نزاع است.

تظاهرات مورد پسند گروه های "شورای همکاری"، که در تعریف و تمجید آن نوشته اند، همان حرکتی است که این آخوند مرتجع و تبهکار راه انداخته است. استفاده عناصر شرور و شارلاتان قومی از چنین اوضاعی، فقط در این مورد نیست؛ بنا به اطلاعات مندرج در بیانیه "جمعی از فعالین فرهنگی و مدنی ترک"، در سالهای اخیر، در مناطق مختلف این منطقه، به دنبال هر نزاع شخصی دو نفر منتسب به دو قوم، تبهکاران آماده بکار فرا سر میرسند و با تبدیل آن نزاع به یک درگیری قومی، آتش تنفر و خشونت قومی را شعله ور می کنند.

آخوند دوم ملا عمر از مسجد بلال حبشی است که بعدا به کمک میرسد. آژیناسیون ملا غفور در همان دقایق اول، موفق به تحریک و تهییج جمعیتی برای شروع یک تظاهرات قومی میشود که جلو کلانتری متعلق به نیروی انتظامی، تحویل قاتل به خود را مطالبه می کنند تا به دست خود مجازات کنند! شماری از این جمعیت حتی قصد داشته اند تا به زور وارد کلانتری شده و قاتل را با خود ببرند. این تجمع و تظاهرات بطول می انجامد و در این فاصله جمعی از شهروندان ترک زبان هم که نظاره گر حرکت آنها بوده اند را هم مورد حمله فیزیکی قرار داده و فراری میدهند. تا اینجا قضیه، این حرکت فقط یک اکتور دارد و بس! بقیه ماجرا که به تیراندازی و قتل یکی از معتزین و حمله به مناطق کردنشین توسط قوم گرایان و فاشیست های ترک می انجامد، اتفاقات بعد از شروع این ماجرا و در پرده دوم وقایع رخ میدهد.

نکته جالب دیگر در اطلاعیه "شورای همکاری"، در خدمت محکم کردن سنگر خود

همراه تبهکاران قومی کرد، اشاره به هویت قاتل در آن نزاع شخصی است. اطلاعیه مزبور می نویسد که "فرد قاتل رضا نام دارد و از مزدوران محلی سپاه و ترک زبان می باشد". توجه کنید که نویسندگان این اطلاعیه، حتی اسم کامل قاتل را نمیدانند، از این هم خبر ندارند که طرف از نوع میلیونها نفر انسان محروم، به سختی روز را به شب میرساند. از این هم خبر ندارند که این "مزدور سپاه" همین اواخر از زندان آزاد شده است. با این حال او از نظر آنها "از مزدوران محلی سپاه است!"

از میان اطلاعیه نویسان "شورای همکاری"، اکثریت آنها امکان سوال و تحقیق از طریق مردمان مطلع از قضایا را دارند و سوال و تحقیق هم کرده اند. لذا مشکل اینها کمبود اطلاعات نیست. مشکل اینها در عینکی است که توسط آن وقایع را روئیت و یک سنت سیاسی است که شیوه دخالت شان در آن وقایع را تعیین می کند. این عینک و این سنت سیاسی، همانی است که مورد استفاده جریانات قوم پرست کرد هم هست؛ "خلق کرد" نه تنها ستمدیده، بلکه سالها هم علیه جمهوری اسلامی جنگیده و به همین دلیل در صفوف اول "خلق های قهرمان ایران" قرار دارد! جریانات برخاسته از سنت "جنبش کردستان"، "ترک ها" دسته جمعی همراه نظام و دشمن "کردها" هستند و در هر جریانی بخشی از دشمن محسوب شده و اتوماتیک همیشه متهم ردیف اول اند! به همین دلیل تحریک قومی دست آخوندهای مرتجع کرد، توسط این "شورا"، تظاهرات برحق مردم نقده علیه جمهوری اسلامی عنوان میشود، فرد قاتل هم "از مزدوران سپاه پاسداران رژیم" معرفی میشود، تا حقانیت "کورد" در این ماجرا مسجل شود. آخر سر، وقتی بیانیه ها و فضای شهر با اطلاعیه های "شورای همکاری" مقایسه میشود، موضع شهروندان ساکن نقده، دسته جمعی علیه نفرت پراکنی قومی و خشونت قوم پرستان از هر طرف، و "شورای همکاری" در کنار تحریک و خشونت و نفرت پراکنی قومی قوم پرستان کرد ایستاده است. در مقایسه با اطلاعیه "شورای همکاری"، اطلاعیه "اتحاد فداییان کمونیست"، از اعضای همین "شورا" بسیار تماشایی تر است؛ اینها اطلاعیه "شورا" را دربرگیرنده تمام مواضع خود نمی بینند و در اطلاعیه مستقل خود، حمایت خود از هر دو جبهه قومی را اعلام کرده اند. اینها مدافع تقسیم فدرالی کشور بین "ملت های ستمدیده" اند، نگران لطمه خوردن دوستی "جنبش انقلابی آذربایجان" و "جنبش انقلابی کردستان" اند. نوشته اند که قدرت های خارجی و جمهوری اسلامی و ... این واقعه را درگیری قومی تفسیر می کنند تا بین دو ملت اختلاف درست کنند، شرایط کشور خطیر است و باید متحدانه پیشروی کنند..

این اطلاعیه تماشایی تر از آن یکی است، چون اگر بقیه پشت قوم پرستان کرد ایستاده اند، اینها برای خودشان هم معلوم نیست کجای این واقعه ایستاده اند؛ از طرفی مدافع تقسیم کشور بین ارتجاع "ملل ستمدیده" اند. از طرفی نگران دسیسه های دول خارجی و تفرقه بین "ملل انقلابی" اند، از طرفی هم شرایط ویژه سیاسی کشور را شاهد می آورند که باید مواظب بود!



ایا کسی هست به اینها توضیح دهد که در این منطقه، به جز اینها، همه از عرب و عجم شاهد روشن کردن آتش قومی توسط دو طرف رقیب از میان "ملل انقلابی" اند و شغل همیشگی شان تکرار همین کار در جریان هر نزاع شخصی است؛ عرب و عجم هم میدانند که سران این جنبش قومی، به انواع قدرت های خارجی تکیه دارند و خط و بودجه و امکانات میگیرند، میدانند اگر سردسته یکی فقط به ترکیه و مقامات امنیتی جمهوری اسلامی وصل است، آن یکی ها با تمام قدرت رقیب منطقه معامله و خرید و فروش سیاسی دارند.

برای هر آدم نیمه آشنا به سیاست، مسجل است که جنبش انقلابی مد نظر این ناسیونالیست های فدرالیست چی، چیزی جز ارتجاع ناسیونالیستی و قومی کرد و ترک در این منطقه نیست، که پشت تمام تحركات قومی و درگیری ها و تنفرپرانی های قومی و فاشیستی خوابیده اند. برای یکی، از سد ارس تا ارومیه و نقره شهرهای کرد متعلق به "کردستان شرقی"، و شهرهای کردنشین آذربایجان غربی، از دم ملک طلق "آذربایجان جنوبی" اند! رهبران اصلی این دو جنبش، اولی احزاب مرکز همکاری کردستان اند، که نماینده ارتجاعی ترین تحركات سیاسی و محرکین تنفر قومی، بویژه در مقابل "عجمه کان" یعنی "ترک ها"، و دیگری به رهبری شخصیت های فاشیستی از جنبش نماینده نقره و آشنویه در مجلس اسلامی، علی زنجانی حسنلویی است.

رفتار و کردار اعضای "شورای همکاری" جای انتقاد باقی نگذاشته است؛ چون سرتا پا، شانه به شانه قوم پرستان و عاملین آغازگر تنش و درگیری قومی، در این ماجرا شرکت دارد. تفاوت محسوس بین شان این است که یکی با یک جناح قوم پرستان است و دیگری همراه هر دو بلوک قومی. نتیجتا آدم نمیتواند تشخیص دهد، اگر نیروی انتظامی شهر، زبانم لال، متعلق به اینها بود، متهمین قابل تعقیب کدامین عوامل و کدامین طرف بودند؟ برای طبقه متوسط شهر نقره که علاقمند به بهم خوردن منطقه کار و تجارت و سرمایه اش و آواره شدن نیروی کار و منبع سود و سرمایه خویش نیست، با صدای بلند، با قاطعیت، صریح و بی پرده اعلام می کند که تنفر قومی بس است، دشمنی بس است، برهم زدن فضای زندگی توسط باندهای فاشیست بس است، ما میخواهیم همسایه هم باقی بمانیم.... (نقل به معنی از بیانیه ای که توسط آقای رحیم ببری و جمعی از شهروندان نقره انتشار داده اند).

"شورای همکاری جریانات چپ و کمونیست" میتواندست به جای تسخیر یک سنگر قومی در این جنگ، به انداره نمایندگان طبقه متوسطه این شهر احساس مسئولیت می کرد. علت ناتوانی، وزن سنگین جنبش های "ملل تحت ستم" در آرمان و ایدئالهایشان است.

۲۰۲۱/۰۸/۱۵

## بازی کومه له و طمع چپ...

### آسو سهامی

طی هفته های اخیر به دنبال برگزاری پلنوم نهم کمیته مرکزی کومه له، ما شاهد صدور دو بیانیه بلند بالا از سوی کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران در رابطه با این پلنوم بودیم.

کمیته اجرایی در تمامی این بیانیه ها سعی کرده است که به خواننده القا کند که آنها با کمیته رهبری کومه له تفاوت و نسبت به سیاستهایش نقد اساسی و از همدیگر فاصله زیادی دارند، در حقیقت این بیانیه ها بر دو اصل استوارند از یک سوی رهبری کومه له را خطاب قرار داده که ما از خودتان، از همان جنس و همان سنت هستیم و بر همین مبنا در سهم خواهی از فونکسیون های تشکیلاتی، شما چه جایگاهی به ما خواهید داد؟ و از سوی دیگر با توهم پرانی رو به اعضا و هوادارانش در داخل می خواهد به آنها بگوید که ما با رهبری کومه له سازش نمی کنیم و مرز بندی و نقد داریم.

کمیته اجرایی تمام تلاش و پتانسیل خود را بکار گرفته تا از موجودیت حزب کمونیست به مثابه یک پدیده دفاع کند، اما این پدیده عملا اکنون در چه راستایی حرکت می کند برایش زیاد مهم نیست، در دو بیانیه اخیر خود هیچ حرف تازه ای برای گفتن ندارد و تکرار کسل آور همان حرفهایی که قبلا گفته شده است. تنها به این دلیل ساده که جناح چپ و راست درون این تشکیلات هر دو در یک جهت حرکت کرده و اساس یک جنبش را نمایندگی می کنند این بازی با کلمات نه در دفاع از کارگر و مردم زحمت کش و بلکه راضی کردن رهبری کومه له در به رسمیت شناختنشان به عنوان جناح چپ این تشکیلات و شراکت دادنشان در صندلی های تشکیلاتی.

کمیته اجرایی در بیانیه خود آورده است :

از نظر نویسنده وجود دیدگاه ها و نظرات مغایر با سیاست ها و مواضع رسمی در یک حزب سیاسی کمونیستی پدیده ای بسیار عادی است. بنابراین آنچه جدال و کشمکش های درون تشکیلات حزب و کومه له را پیچیده کرده و به یک بحران سیاسی و تشکیلاتی تمام عیار تبدیل نموده نه نفس وجود و ماهیت اختلاف نظرات سیاسی، بلکه شیوه های کار تشکیلاتی و سبک کار به شدت انحلال طلبانه ای است که این رفقا در مبارزه سیاسی و تشکیلاتی در پیش گرفته اند. روش های انحلال طلبانه ای که ادامه دارند و در تصمیم گیریها و مصوبات پلنوم نهم کمیته مرکزی کنونی کومه له بوضوح خود را نشان می دهند. (خط تاکید از من است)

در حقیقت بند ناف کمیته اجرایی به همان سنت، سیاست و عملکرد تاکنونی کومه له بند است، نه اینکه او سهامت گفتن ندارد و یا مستأسهل باشد و یا حتی مشکل آنها نه اختلافات سیاسی موجود در درون این حزب و نه شیفت به راست رهبری کومه له، بلکه شیوه کار تشکیلاتی و سبک کار آنهاست و با زبان بی زبانی به کمیته مرکزی کومه له می گوید که اختلافات ما بیشتر جنبه تشکیلاتی دارد و شراکت ما در فونکسیونهای تشکیلاتی می

تواند آتش این اختلافات را خاموش کند. این همان پاشنه آشیل چپ درون این حزب است که کبر کومه له به درست آنرا شناخته است.

کمیته اجرایی اگر هیچ نقد سوسیالیستی بر مواضع رهبری کومه له ندارد، از سر کم سوادی یا کم تجربگی و یا کم جراتی نیست، بلکه همانطور که در بالا گفته شد، خودش بخشی از آن جنبش است که کومه له عزیزانه نماینده گیش را بر عهده دارد، او خودش سالها در پروسه رشد و تقویت این جنبش در کنار عزیزان حضور داشته و همراه با او برایش تلاش کرده است و ازین بابت خود را سهیم می داند و در این بین سهم خود را طلب می کند.

در جای دیگری در بیانیه ک. ا. حکا آمده است "البته در این میان لابد مخاطب جدی و منصف از رهبری کنونی کومه له خواهد پرسید شما که اینهمه بر اصل قبول کثرت نظرات سیاسی و فعالیت مشترک حزبی پافشاری می کنید پس چرا نظر جناح مقابل خودتان که مواضع، دیدگاهها و همین قطعنامه شما را در جناح راست مواضع برنامه ای و استراتژیک حزب ارزیابی می کند را تحمل نمی کنید؟ شما که اینهمه بر ضرورت تلاش برای شکل دادن به قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان تأکید می کنید چگونه است که برای سانسور و حذف جناح چپ درون حزب و کومه له از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنید؟ (خط تاکید از من است)

الویت سیاسی کومه له، مثل همیشه، تحکیم موقعیت خویش در رهبری جنبش ملی یا ناسیونالیستی کردستان است. این سازمان، چپ برود یا راست؟، با پژاک و پ ک ک قدم بزند، یا با مصطفی هجری؟، راه کارگر کنارش باشد یا هسته های اقلیت؟، اگر هزار بار اشتباه کند ولی قطب نمایش (رهبری جنبش ملی) را گم نمی کند.

لذا جمع کردن چپ های نوع خود، برای تزیین ویتربینی است که در آن لیست انواع سازمان ها و گروههایی با عناوین پرطمطراق، ولی سرگردان را، در مقابل رقبای خود در جنبش ملی را به نمایش بگذارد. تا از این طریق، به بالا رفتن موقعیت خویش در جنبش کردابیتی کمک کند. میخواید به مصطفی هجری نشان دهد که اگر او در "مرکز همکاری" تعدادی حزب و سازمان همراه خود دارد، کومه له هم به تعداد بیشتری احزاب و گروه پشت سر دارد! در حالیکه عزیزان مشغول پیشبرد سیاست متکی به الویت خویش است، جناح چپ این جریان، به همراه بقیه چپ های نوع خود، دسته جمعی این نقشه کومه له را به حساب چپگرایی آن پذیرفته اند. به همین دلیل به همان اندازه که چپ ها در این مهمانی، صاحب افق و شاد و شنگول شده اند، جناح ک. ا. هم نگران از دست کم گرفته شدن خویش، صدایش در آمده که آهای رفیق، پس چرا ما را هم مثل همین ها نمی پذیرید!

اگر هدف گدایی سهم تشکیلاتی است، ردیف کردن لیست انتقادات خطاب به کیست؟

بیانیه ک. ا. ح در جای دیگر میگوید:



تا آنجا که به ادعای بزرگنمایی اختلافات سیاسی مربوط می شود، ما بازها به تفصیل به رئوس اختلاف نظرات سیاسی واقعی موجود پرداخته ایم. اختلاف بر سر موجودیت حزب کمونیست ایران، بر سر سیاستهای ما در قبال همکاری با نیروهای چپ و کمونیست، بر سر حاکمیت شورایی، بر سر شیوه برخورد به احزاب و جریانات ناسیونالیست و بورژوازی، بر سر امکان تحقق سوسیالیسم در یک کشور، بر سر نقش و جایگاه طبقات اجتماعی در تحولات آتی واقعیتهای انکار ناپذیر است. (خط تاکید از ماست)

اگرچه در ابتدای این نوشتار نیز به آن اشاره شد، این قسمت از بیانیه ارسال سیگنال به هواداران متوهم جناح چپ در شهر است، در حقیقت کمیته اجرایی حکا تلاش می کند به آنها نشان دهد که فاصله زیای با جناح راست دارد، در قبال این اختلافات موضعگیری کرده است و با ردیف کردن لیست انتقادات و مرزبندی های موضعی، می خواهد بگوید، نگران سازش ما نباشید، مواضع قاطع ما سر جای خود باقی و همانطوریکه مستحضرید، برایتان لیست هم شده است!

اگوست 2021

**اگر جهان به دست ما  
کمونیست ها باشد،  
تمام گانگسترهای  
قومی - مذهبی، تمام  
باندهای دست ساز  
«دمکراسی غربی» را  
با قدرت سرخ خود،  
با میلیس توده های و  
مردمی از صحن  
جامعه جارو خواهیم  
کرد.**

## به مردم شهر نقده!

محمد فتاحی

مردم آزادیخواه!

تنش قومی روز شنبه 16 مرداد، یک بار دیگر شما را نگران تکرار جنگ خونین قومی گذشته کرد. یکبار دیگر مرتجعین ناسیونالیست ترک و کرد در کنار باندهای تبهکار قومی فرصت یافتند تا خصومت و تنفر قومی را زنده کرده و محیط زندگی شما را ناامن کنند. همانطوریکه در بیانیه جمعی از فعالین مدنی و فرهنگی نقده آمده است، هر بار که نزاعی بین دو نفر منتسب به قوم کرد و ترک پیش می آید، توسط باندهای تبهکار به یک نزاع سیاسی قومی ترجمه و زمینه و فرصتی میشود تا به آرزوهای شوم و ضدانسانی خود برسند. واقعه روز شنبه گذشته، تکرار مکرر تمام مواردی است که خود اینجا و آنجا خبرش را در سال های گذشته شنیده اید.

در این واقعه هم، مانند موارد قبلی، چهره های مرتجعی از جنس ملا غفور آخوند مسجد حاجی خدر و ملا عمر نوبخت آخوند مسجد بلال حبشی در مناطق کرنشین اند، که فوراً خود را به محل میرسانند، آتش بیار معرکه میشوند، تحریک جنایتکارانه قومی می راه می اندازند، تا انبار باروتی را به آتش بکشند که توسط تبهکاران از نوع اینها، طی سالها ذخیره شده است. طرف دیگر باندهای نئوفاشیست ترک اند که توسط امثال علی زنجانی حسن لویی، در منطقه، سازماندهی شده اند.

باندهای ناسیونالیست قومی دو طرفه علاقه ای به همزیستی شما مردمانی که صدها با هم زیسته اید را ندارند. پاکسازی قومی در این منطقه، در صورت توانایی و فرصت، در خون اینهاست. نسل کشی قومی، توسط پان ترکیست های وابسته به گرگهای خاکستری و تکرار آن، این بار علیه "کردها"، در خون شان است. طرف دیگر، اساساً ناسیونالیست ها و فاشیست های کرد اند، که پاکسازی قومی "ترک" شرط اصلی شکل گیری فدرالیسم شان در تمام مناطقی است که امروز مردمان منتسب به اقوام کرد و ترک، در آنها زندگی می کنند. دو طرف جریانات ناسیونالیست و فاشیست، از همین امروز این شهرها را به نام قومی خود ثبت کرده و الحاق مناطق حکومتی در آینده ذهنی خود کرده اند؛ نقده و ارومیه و سلماس و خوی و ماکو و مهاباد و... از امروز همه مهر تعلق قومی گرفته اند. اگر دست اینها باشد، بسته به تناسب قوای بین شان، بخشی از مردمان منتسب به قوم رقیب، باید شهر را تحویل اینها داده و مکان زندگی همیشگی خود را برای همیشه ترک کنند. در غیر این صورت، تجربه جنگ قومی بالکان، این بار در مناطق مشابه آذربایجان، یک بار دیگر اینجا تکرار خواهد شد. نباید فراموش کرد که اسماعیل سمیتکو، سازمانده کشتار "عجم" در

این منطقه، جزو قهرمانان ناسیونالیسم قومی کرد است، و رسیدن به مدارج "ترک های جوان" در نسل کشی قومی جزو بالاترین آرزوهای شان است.

**مردم شرافتمند کل منطقه آذربایجان و کردستان!**

منبع و عامل تمام این وقایع قومی در منطقه، سه نیروی شوم سیاسی حاضر در صحنه اند؛ اول حکومتی که زیر سایه شوم آن، هزار و یک مصیبت و درد و بلا وارد زندگی مردم شده و قارچ های سمی مشابه خود را تولید و بازتولید میکند، که متهم اول است. این همان حکومتی است که قتل عام های متعدد در روستاهای کردنشین همین منطقه را توسط عوامل محلی خود، توسط "معبودی" های آنروز و علی زنجانی حسن لویی های امروز، سازمان داد و از این طریق زخمی در اعماق قلب جامعه ایجاد کرد که با هر واقعه ای، توسط اکتورهای ناسیونالیست و فاشیست کرد و ترک، تازه میشود. جنبش های ارتجاعی قومی و ملی در کردستان و آذربایجان امروز، که خود را "جنبش انقلابی آذربایجان" و "جنبش انقلابی کردستان" معرفی می کنند، جنبش برخاسته از آن زخم تاریخی اند، که نه برای درمان، آن بلکه استفاده از عفونت آن برای آبیاری جنبش تفرقه قومی و تزیین آن عفونت به جامعه در هر فرصتی و به هر بهانه ای، کاست.

حقیقت این است اگر انقلاب 57 به قدرت رسیدن یک حکومت غیرقومی و غیر مذهبی را به دنبال داشت، ناسیونالیسم کرد دقیقاً مانند "فرقه دمکرات آذربایجان"، خشک و از صحنه جامعه ناپدید می شد. سرنوشت سیاسی آنروز ما چنین شد که شد. نتیجتاً زیر سایه این قدرت مملو از تبعیض ملی و قومی و هزار و یک تبعیض دیگر، جنبش هایی پا گرفتند که جای واقعی شان، همراه جنبش اسلامی، در قعر تاریخ دوران جهالت بشر بود. اگر سرنوشت چنین نمی شد، امروز مردم چرا برای ناسیونالیسم و قوم گرایی ترک و کرد تره خرد می کرد، مگر اینها نماینده کدامین آرزوی واقعی و زمینی این مردم اند؟ ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد و ترک برای کردستان و آذربایجان چه نقشه ای جز ایجاد تفرقه و نفرت و خصومت قومی بین همسایگان دارند؟ اینها به جز نقشه برای تقسیم مناطق قومی، و وارد کردن جامعه به جنگ خونین قومی برای تعیین حاکمیت قومی شهر و روستاهای این منطقه، کدامین برنامه دارند؟ نان و آب و معیشت و رفاه درد اینها نیست، برابری انسان و عدالتخواهی در برنامه شان نیست، کنار زدن تبعیض های رنگارنگ نه فقط در نقشه های اینها نیست، بلکه تمام آنها را این بار در شکل و لباس قومی اعمال می کنند.

اگر چنین نبود، چرا این جامعه با هر دعوی دو نفر، وارد تنش و شروع یک جنگ خانمان سوز قومی می شد؟

**مردم شرافتمند شهر!**

**نه قومی نه مذهبی زنده باد هویت انسانی**

# نما

نشریه دفتر کردستان حزب  
حکمتیست (خط رسمی)

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سر دبیر: وریا نقشبندی

[Vera.naksh@gmail.com](mailto:Vera.naksh@gmail.com)

تلگرام حزب

[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب

[Facebook.com/HekmatistX](https://www.facebook.com/HekmatistX)

راديو نينا

[Radioneena.com](http://Radioneena.com)

اینستاگرام راديو نينا

[Instagram.com/radioneena/](https://www.instagram.com/radioneena/)

تماس با خرب

دبیر خانه: هساره ابراهیمی

[dabirxane@hekmatist.com](mailto:dabirxane@hekmatist.com)

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

[azar.moda@gmail.com](mailto:azar.moda@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج کشور: امان کفا

[aman.kafa@gmail.com](mailto:aman.kafa@gmail.com)

دبیر دفتر کردستان حزب: محمد راستی

[mohammed.raasti1954@gmail.com](mailto:mohammed.raasti1954@gmail.com)

سایت آرشیو

آثار منصور حکمت

[Hekma.public-archive.net](http://Hekma.public-archive.net)

است. خبر بهتر در متن همین واقعه، بازخواست از دو آخوند مرتجع و جنگ افروزی بوده که به اعتراض علیه هر دو انجامیده و شخص ملا عمر نوبخت، از جوانان حاضر سیلی تحویل رفته است. خبر باز هم بهتر این است که آن مجمع عمومی، امروز دوشنبه ساعت 6 بعداز ظهر در همان مسجد برگزار میشود. هدف این نشست های عمومی شهروندان منطقه کردنشین، ریشه یابی مسئله و راه های پیش گیری از تکرار آن و چه باید کرده است. صرف نظر از نتیجه کار این مجاع، اقدام مردم آزاده به جمع شدن دور هم، به مشورت و خرد جمعی، برای پیشبرد اراده جمعی، عالیترین شکل دخالت در مسائل و مشکلات متنوع این دوره است. وقتی که دولت و حاکمیت مسئولیت نمی پذیرد، مسئولیت بر عهده خود شهروندان است، تا هم اراده خود را سازمان دهند، هم به مقامات دولتی برای قبول مسئولیت فشار بیاورند.

در پایان، دست همه گروه ههای شرافتمندی را که برای جلوگیری از تکرار جنایت قومی بیانییه صادر کردند و برای همزیستی مسالمت آمیز قدم جلو گذاشتند و مسئولیت پذیرفتند و دست دوستی به طرف همسایه و همشهری های خود دراز کردند را به گرمی می فشارم. دست کسانی را هم از پیش می فشارم که با درس گرفتن از تجمعات انسان دوستانه و مسئولانه در مناطق کردنشین، به فکرایتکاراتی مشابه در مناطق ترک نشین اند.

زنده باد دوستی و همسرنوشتی شما!

زنده باد رهایی از طوق هویت قومی!

دست قوم پرستان کرد و ترک از زندگی مردم کوتاه!

۰۹/۰۸/۲۰۲۱

**اگر در ایران قدرت به**

**دست «کنگره سراسری**

**شوراهای مردمی «باشد،**

**مهر باطل بر سیاست های**

**ارتجاعی، تروریستی و**

**رقابت های منطقه ای**

**جمهوری اسلامی با سایرین**

**خواهیم کوبید و پیمان صلح**

**و آشتی با همه کشورهای**

**جهان خواهیم بست!**

راه چاره این معضل سیاسی و تاریخی که توسط مثلث ارتجاع سیاسی در محل تولید میشود، در دستان شماسست. شما می توانید اراده کنید و آرزوی شوم جبهه های تولید جنایت قومی را خاک کنید. شما میتوانید شهرتان و منطقه تان را از وجود سیاسی شوم اینها پاک کنید، شما میتوانید انگشت در چشم شان کرده و اعلام کنید که دسیسه های قومی برای تکرار کشتار همسایه توسط همسایه، بس است، میتوانید به آنها هشدار دهید که تکرار جنگ خونین قومی قبل را نمی خواهید. شرط همین امروز فشار به مقامات قضایی برای تحقیق در اینمورد و معرفی مجرمدین به مردم، و دادگاه علنی آنها به اتهام سازماندهی وقایع مشابه روز شنبه گذشته است. جمهوری اسلامی رفتنی است، اما تا زمانی که بر این جامعه حاکم است، باید به عنوان مسئول ظاهر شده و در مقابل مردم جوابگو باشد. جمهوری اسلامی بویژه در شرایط امروز، به وجود تفرقه و خصومت و دشمنی قومی و مذهبی و قبیله ای برای تضعیف جبهه مردم در مقابل خود، نیازمند است. یک راه جلوگیری از این سواستفاده مقامات دولتی از خصومت قومی، فشار شما به تمام مقامات نامسئول برای شناسایی عوامل تحریک نفرت و خصومت قومی و حمله به مردم و به خانه و محل کار و بازارشان، یک شرط موفقیت شما برای برداشتن اولین قدم بسوی کوتاه کردن دست باندهای قوم پرست و فاشیست دو طرف، از زندگی و سعادت و امنیت شهرتان است. یادتان باشد که به دنبال شروع منازعه قومی در نطقه، در مناطق شهرهای همجوار، ناسیونالیست ها و فاشیست ها برای گسترش این آتش تقلا کرده اند. نمونه روشن آن در شهر اشنویه رخ داده است، که به تحریک ناسیونالیست های کرد محل، چند نفر از میوه فروشان اهل شهرهای ترک نشین که برای فروش میوه به این شهر رفته بودند، مورد حمله قرار داده، اذیت کرده و ناچار به ترک شهرشان کرده اند. این کار اگر در مناطق دیگر آذربایجان رخ داده باشد، شایسته است رسما در همه مناطق، مقامات نامسئول شهر را وادار به تحقیق، معرفی متهمین و دادگاه علنی کرد. نه فقط این بلکه باید در مقابل تبعیض قومی علیه همشهریان کرد زبان ایستاد، که توسط مسئولین دولتی در محل به اجرا در می آید. مقامات انتظامی به اتهام حمایت علنی از دسته های شبهه فاشیست جوانان و نوجوانان حمله کننده به منازل و مغازه های مناطق کردنشین شهر، باید مورد مواخذه قرار گرفته و برای جبران خسارات وارده به مردم زیر فشار قرار بگیرند.

خبر خوب؛

مردم آزاده و شرافتمند مناطق کردنشین نطقه راه نشان میدهند!

خبر خوب این است که مردمان شرافتمند و آزاده مناطق کردنشین ابتکار عالی به خرج داده و روز یکشنبه در مسجد سید عبدالله کمالی، شمار زیادی از آنها، واقعه روز قبل را به بحث گذاشته و سراغ علل تبدیل یک نزاع شخصی به یک سنگربندی خیابانی و تنش قومی کشیده شده

**زنده باد انقلاب کارگری**